



- سرشناسه: نائینی، حسین، ۱۳۳۹-۱۳۱۵
عنوان: تنبیه الامة و تنزیه المله
پدیدآور: حسین نائینی، با مقدمه، تصحیح، ویراستاری، شرح و تعلیق روح‌الله حسینیان.
مشخصات نشر: تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
فروست: مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۴۶۴. اندیشه سیاسی؛ ۲۱.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۱۸۸-۶ ریا۱۵۰۰۰
یادداشت: فیفا
یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت به چاپ رسیده است.
یادداشت: کتابخانه: ص [۲۰۹]-۲۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع: اسلام و دولت.
موضوع: استبداد.
موضوع: مشروطیت.
موضوع: نائینی، حسین، ۱۳۳۹-۱۳۱۵. سرگذشتنامه.
شناخه افزوده: حسینیان، روح‌الله ۱۳۳۳. مصحح.
شناخه افزوده: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
ردمبندی کنگره: ۱۳۸۵ ت ۹۱۵/ن ۲۳۱/DSR
ردمبندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲
شماره کتابخانه ملی: ۴۹۳۲۳-۸۵

تنبيه الامه و تنزيه المله



www.ketab.ir



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: تنبيه الامه و تنويه المله

تأليف: آيت الله ميرزا حسين نائيني

مقدمه، ويرايش، شرح و تعليق از: روح الله حسينيان

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۱۵۰۰ تومان

حروف چيني و ليتوگرافي: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۱۸۸-۶

ISBN: 978-964-419-188-6

کليه حقوق اين اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۲۰۹۴.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹
نهضت مشروطه.....	۱۹
علامه‌ی نایینی.....	۲۲
تألیف تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله.....	۲۲
تمدن غرب در اندیشه‌ی نایینی.....	۲۹
ولایت فقها؛ نظریه‌ی سیاسی نایینی.....	۳۰
مشروعیت مشروطه از باب ثانوی.....	۳۱
اصول مشروطه از نظر نایینی.....	۳۳
همانندی مبانی مشروطیت با مبانی سیاسی اسلام.....	۳۵
مجلس شورای ملی.....	۳۸
استبداد در اندیشه‌ی نایینی.....	۴۱
استبداد دینی.....	۴۴
پاسخ به شبهات مشروطه.....	۴۶
پاسخ شبهه‌ی اوّل.....	۴۷
پاسخ شبهه‌ی دوم.....	۴۷
پاسخ شبهه‌ی سوم.....	۴۸
پاسخ شبهه‌ی چهارم.....	۵۰
پاسخ شبهه‌ی پنجم.....	۵۰
پاسخ شبهه‌ی ششم.....	۵۰

- ۵۱ جمع آوری کتاب تنبيه الامه توسط نایینی
 ۵۹ [دیباجه]
 ۵۹ [پی بردن غربی ها به علت عقب افتادگی خود]
 ۵۹ [غربی ها اصول تمدن را از اسلام آموختند]
 ۶۰ [آغاز خیزش اسلامی]
 ۶۱ [تکاپوی مستبدین تحت پوشش دفاع از دین]
 ۶۲ [انگیزه‌ی نگارش این کتاب]
 ۶۳ [علت نام گذاری کتاب]
 ۶۵ [مقدمه‌ی تنبيه الامه]
 ۶۵ [حکومت لازمه‌ی زندگی بشر]
 ۶۵ [قیام حکومت به مصالح مردم عامل استقلال]
 ۶۷ [تقسیم حکومت به ولایتیه و تملکیه]
 ۶۷ [تقسیم حکومت ها بر حسب اعمال قدرت]
 ۶۷ [حکومت تملکیه یا استبدادیه]
 ۶۸ [نام های دیگر حکومت تملکیه]
 ۶۹ [درجات استبداد]
 ۷۰ [فرق حکومت تملکیه و ولایتیه]
 ۷۱ [نام های دیگر حکومت ولایتیه]
 [مراقبت در حکومت مشروطه در حکم شرط عصمت در
 ۷۲ امامت شیعه]
 ۷۳ [روش های نظارت بر پادشاه]
 [اول: نوشتن قانون اساسی و مشخص کردن حدود
 ۷۳ اختیارات پادشاه]
 [دوم: انتخاب نمایندگان مردم برای نظارت بر کار
 ۷۴ دولت]

[اذن فقها مشروعیت بخش دخالت مجلس نمایندگان]	۷۵
[آزادی و مساوات دو رکن مشروطیت]	۷۶
[مساوات و آزادی اساس حکومت های صدر اسلام]	۷۶
[آزادی و مساوات اساس پیشرفت اسلام]	۷۶
[استبداد امری عامل عقب افتادگی]	۷۷
[سلب آزادی در اسلام به بندگی گرفتن انسان]	۷۸
[استبداد دینی مقوم استبداد سیاسی]	۸۴
[پذیرش استبداد مرتبه ای از شرک به خداوند]	۸۵
[یکی از اهداف انبیاء آزادی انسان ها]	۸۶
[مبنای مساوات در اسلام]	۸۷
[قیام فقها در مقابل استبداد به پیروی از سنت انبیا و اولیاء]	۸۹
[استبداد دینی در تلاش برای مقابله با فقها]	۹۰
[غیرمقدور بودن ولایت فقها عامل وجوب محدود کردن پادشاه]	۹۴

فصل اول

[اصل حکومت دینی و عقلی مشروطه است]	۹۷
[اصل حکومت دینی و عقلی مشروطه است]	۹۹
[حکومت غیراستبدادی و محدود یا حکومت عقلی و شرعی]	۹۹
[مشورت اساس حکومت شرعی و عقلی]	۱۰۰
[معاویه بنیان گذار استبداد در اسلام]	۱۰۱
[عصمت شیعی و بیعت سنی مبنای محدودیت سلطنت]	۱۰۲

فصل دوم

- [ادله‌ی وجوب محدود کردن سلطنت] ۱۰۵
- [۱- نهی از منکر] ۱۰۷
- [۲- لزوم نیابت فقها در امور حسیه] ۱۰۷
- [۳- اجماع فقها بر محدود کردن ید غصبی] ۱۰۸
- [نتیجه: وجوب تبدیل حکومت مستبد به حکومت مشروطه] ۱۰۸
- [مشروعیت حکومت مشروطه یا اذن فقها] ۱۰۹
- [رؤیای مصنف در تأیید مشروطه] ۱۱۰
- [عامل پیشرفت در صدر اسلام مشروطیت حکومت] ... ۱۱۱

فصل سیم

- [در لزوم تشکیل حکومت مشروطه] ۱۱۵
- [مشاوره مبنای حکومت اسلامی] ۱۱۷
- [سیره‌ی پیامبر (ص) مبنی بر مشورت در امور سیاسی] .. ۱۱۸
- [سیره‌ی امام علی (ع) در مشورت با مردم] ۱۱۹
- [لزوم نظارت بر اختیارات حاکم در اسلام] ۱۲۱
- [لزوم تدوین قانون اساسی] ۱۲۲
- [اولین فیلسوفی که از حکومت تعریف جدیدی ارائه داد] ۱۲۴
- [کم‌کاری علمای اسلام در ارائه شکل، حدود و اختیارات حکومت] ۱۲۵

فصل چهارم

- [شباهت مخالفین مشروطه] ۱۲۷

- ۱- آزادی مساوی با اباحه‌گری] ۱۳۰
- ۲- تساوی در قانون یعنی تساوی کافر و مسلمان] ۱۳۳
- تدوین قانون در مقابل سنت و کتاب بدعت است] ۱۳۹
- [معنای بدعت در شرع] ۱۴۰
- [وجوب مباحات از باب مقدمه واجب می‌شود] ۱۴۰
- ۴- اشکال به دخالت نمایندگان مجلس در امر حکومت] ۱۴۳
- ۱- دخالت نمایندگان مجلس در امر حکومت دخالت در امر امامت است] ۱۴۳
- ۲- دخالت در سیاست از امور حسبیه و جزء شئون فقهاست] ۱۴۴
- [پاسخ به این مغالطه] ۱۴۵
- ۱- اذن فقهاء کافی است] ۱۴۵
- ۲- در صورتی که فقهاء قادر به اعمال ولایت نباشند نوبت مؤمنان است] ۱۴۶
- [اشکال سوم در مورد نمایندگان مجلس: وکالت مردم در مجلس با وکالت شرعیه در باب فقه انطباق ندارد] ۱۴۶
- [پاسخ وکالت حتی در مفاهیم اسلامی اعم از وکالت شرعی فقهی است] ۱۴۷
- [اشکال چهارم در باب نمایندگی: حجیت اکثریت یک بدعت است] ۱۴۸
- [پاسخ: اکثریت یکی از مرجحات عقلی و شرعی است] ۱۴۸
- [حمایت علمای اسلامبول از آخوند خراسانی] ۱۵۰
- [کیفرخواست مصنف علیه علمای مخالف مشروطه] ۱۵۱

فصل پنجم

- ۱۵۵ [شرایط و وظایف نمایندگان مجلس]
- ۱۵۷ [شرایط نمایندگان]
- ۱۵۷ [۱- اجتهاد در علم سیاست]
- ۱۵۸ [۲- بی غرضی و بی طمع]
- ۱۵۸ [دین و وطن خواهی]
- ۱۵۹ [عدالت شرط نیست]
- ۱۶۰ [دقت در انتخاب وظیفه‌ی ملت]
- ۱۶۰ [وظایف نمایندگان]
- ۱۶۱ [۱- نظارت بر خرج و دخل دولت]
- ۱۶۷ [۲- قانون گذاری]
- ۱۶۷ [قوانین ثابت و متغیر]
- [قوانین متغیر تابع مصالح و تشخیص آن به عهده‌ی ولی امر]
- ۱۶۸ [یا ماذون از طرف وی]
- [قوانین غیر منصوص در شرع با نظر ولی امر قابل تغییر و]
- ۱۷۰ [نسخ هستند]
- ۱۷۱ [۳- تفکیک قوا]
- ۱۷۵ [خاتمه]
- ۱۷۵ [عوامل استبداد]
- ۱۷۵ [مقصد اول در شرح عوامل استبداد]
- ۱۷۵ [۱- جهل]
- ۱۷۷ [۲- استبداد دینی]
- ۱۷۹ [۳- فرهنگ شدن شاه پرستی]
- ۱۸۰ [نظاره به شاه پرستی وسیله‌ی رسیدن به پست]
- ۱۸۳ [۴- اختلاف امت]

۱۸۸	[۵- قوه‌ی سرکوب در دست حکومت]
	[فرهنگ شدن استبداد در طبقه‌ی فراستان و صاحبان
۱۹۱	قدرت]
۱۹۱	[۷- در خدمت استبداد بودن نیروهای نظامی]
۱۹۲	[راه‌های علاج استبداد]
۱۹۲	[۱- آگاهی بخشی با زبان منطق و مهربانی]
۱۹۳	[بعضی از جراید و سخنرانان به مشروطه ضربه زدند]
۱۹۴	[۲- علاج استبداد دینی سخت ولی ممکن است]
۱۹۷	[علاج شاه‌پرستی به لیاقت محوری است]
۱۹۷	[چاپلوسی محوری مانع همدلی دولت و ملت]
۱۹۸	[بقاء دولت به همدلی با مردم است]
۱۹۹	[امر به معروف یکی از راه‌های علاج استبداد]
۲۰۰	[۴- علاج اختلاف امت به اتحاد است]
۲۰۱	[بسیاری از عبادات برای اتحاد تشریع شده‌اند]
۲۰۲	[خودخواهی عامل تفرق]
۲۰۳	[تشکیل انجمن‌ها باید برای برقراری اتحاد باشد]
۲۰۴	[انحراف انجمن‌ها آفتی برای مشروطه شده]
۲۰۵	[اختلاف عذاب الهی است]
	[علاج سایر بیماری‌های اجتماعی خشکاندن ریشه‌های
۲۰۶	استبداد است]
۲۰۹	فهرست منابع
۲۱۳	فهرست اعلام

پیشگفتار

بعضی از نویسندگان معاصر می‌کوشند تا وانمود کنند که ایران اسلامی فاقد پیشینه‌ی اندیشه‌ی سیاسی هست، در حالی که میراث مکتوب ما کاملاً این نظریه را مردود می‌شمارد. ده‌ها رساله‌ی سیاسی بر مبنای کتاب، سنت و عقل توسط فلاسفه، متکلمین و فقها برای ما به جا مانده است که هر کدام از این رسائل می‌توانست مبدأ بالندگی و رشد اندیشه‌ی سیاسی در جهان اسلام باشد؛ اما متأسفانه به هر دلیل این اندیشه‌ها با گسست تاریخی مواجه شد و نتوانست زنجیره‌ی تکاملی به وجود آورد تا شاید امروز حرف بیشتری برای گفتن داشته باشیم.

امروز که به برکت رهبری‌های امام خمینی و جانبازی‌های ملت مسلمان ایران، موانع رشد اندیشه از بین رفته است جا دارد که مراکز علمی، دانشگاهی، تحقیقی و پژوهشی میراث مکتوب اندیشه‌ی سیاسی اسلام را مورد بازخوانی و بررسی قرار داده با حرکتی نقادانه مبادی اندیشه را به کمال مطلوب نزدیک کنند.

بی‌شک یکی از موارث اندیشه‌ی سیاسی کتاب «تنبيه‌الامة و تنزيه المله» علامه نایینی است که درخور واکاوی و مطالعه‌ی بنیادی است. این کتاب با همه‌ی غنای محتوا از نثری بسیار پیچیده برخوردار است که فهم و درک آن برای خواننده سخت ملال‌آور است و بسیاری از دانشجویان و اهل تحقیق از فقدان فصاحت کتاب گله‌مند بودند. به بعضی از دوستان

پیشنهاد رفع مشکل دادم، اما هر کس به دلیلی کاری نکرد. سرانجام خود تصمیم گرفتم تا متن را ساده تر و درخور فهم اهل مطالعه کنم. برای این هدف چند کار انجام گرفت.

۱- برای شروع به کار به کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی مراجعه شد، ولی نه نسخه‌ی اصلی کتاب و نه چاپ اول آن هیچ کدام یافت نشدند؛ ولی چاپ دوم کتاب به شماره‌ی ۷۳۲۹۸ موجود بود، رئیس کتابخانه با لطف خود تصویر صفحات آن را در اختیارم قرار داد.

۲- چاپ دوم کتاب متن اصلی قرار گرفت و با حفظ و رعایت امانت تنها در چند مورد که قطعاً اشتباه بود تصحیح شد، با این حال در پاورقی شکل اصلی کلمه یا عبارت آورده شد.

۳- روان‌سازی متن که هدف اصلی من بود کار بسیار سختی بود. قطعاً اگر علامه نایینی این کتاب را به عربی نوشته بودند قابل فهم تر بود. مبتداهایی که فاقد خبر بودند، عطف‌های پی در پی، گاه فاصله یک صفحه‌ای بین مبتدا و خبر، جملات معترضه‌ی فراوانی که بین مبتدا و خبر را فاصله می‌انداختند، عبارات فاقد ساختار صحیح جمله‌بندی، کلمات نامأنوس، اشارات مجمل، کنایات بعید و... همه مشکلاتی بودند که فهم و درک را بسیار مشکل یا بسیار خسته‌کننده می‌کردند. تمام تلاش خود را به کار بردم تا با رعایت امانت و بی‌هیچ دستکاری در متن اصلی با افزودن فعل، اسم، عبارت و جمله‌ای در درون قلاب [] متن را ساده‌تر کنم.

۴- برای روشن کردن کلمات عربی و نامأنوس سعی شد تا جایی که به فهم و درک متن لطمه نزنند معادل آن را به صورت عطف در قلاب [...] اضافه کنم.

۵- تا آن‌جا که ممکن بوده ترجمه‌ی آیات، روایات و عبارات عربی را در متن داخل قلاب [] آورده‌ام؛ ولی در جایی که به فهم متن ضرر می‌زده

یا طولانی بوده آن را در پاورقی آورده‌ام.

۶- منابع تمام آیات، روایات فقهی و تاریخی، اشعار و ضرب‌المثل‌ها آورده شد و چنانچه توضیحی لازم بوده بر آن افزوده‌ام؛ به جز در یک جا که موضوعی در رابطه با شیوه‌ی حکومت خلیفه‌ی دوم بوده و منبع آن را نیافتیم. متشکر خواهیم بود اگر کسی راهنماییم کند.

۷- متن طبق شیوه‌ی زمانه خود فاقد عناوین موضوعات بود؛ به همین جهت در متن عناوین مناسب انتخاب و بین قلاب [] نوشته شد. براساس همین عناوین فهرست مطالب تهیه گشت تا که راهنمای کافی برای پژوهشگر می‌باشد.

۸- در پایان کار مقدمه‌ای برای کتاب نوشته شد که علاوه بر شرح حال مؤلف و اشاره‌ای به زمینه‌های اجتماعی-سیاسی تألیف، چکیده‌ای از کتاب آورده شد. این مقدمه می‌تواند پژوهشگر را قبل از مطالعه‌ی متن از روح، اندیشه، نظریات و مباحث کتاب آشنا کند و در فهم بهتر آن یاری نماید.

در پایان از حجت‌الاسلام آقای ابهری رئیس محترم کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی که متن چاپ دوم کتاب را در اختیارم قرار دادند، همچنین از خانم رستم‌زاد که چندین بار زحمت تایپ و اصلاحات را با دقت بسیار به عهده گرفتند و سایر همکاران در معاونت انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی که در آماده‌سازی و چاپ تلاش کردند سپاس‌گزاری می‌نمایم.

روح‌الله حسینیان

پائیز ۱۳۸۵

مقدمه

نهضت مشروطه- ناکارآمدی، فساد اخلاقی، فساد سیاسی و سرکوب و ظلم و وابستگی به بیگانگان و دخالت آنان در شئون کشور، مردم ایران را به تنگ آورد. حوادث پیاپی که همگی انعکاسی از فساد و وابستگی دربار قاجار بود، بر خشم و نارضایتی مردم افزود. دستگیری طلاب و به چوب بستن و سپس تبعید آن‌ها به اردبیل، انتشار عکس مسیو نوز بلژیکی با لباس روحانی، دستگیری و شلاق زدن و تبعید حاج میرزا محمد رضا کرمانی مجتهد کرمان توسط ظفر السلطنه، اهانت وزیراکرم به آقا سید جمال الدین از علمای قزوین، اهانت حاکم سبزوار به یکی از علمای محل، اقدام بانک استقراضی روس در تخریب گورستان مدرسه‌ی چال، شلاق زدن تجار بازار تهران توسط علاءالدوله حاکم تهران موجب شد تا مجتهدین، روحانیون و وعاظ نسبت به دربار قاجار زبان به اعتراض گشایند؛ ولی حکومت هیچ تغییری در روش خود نداد. علمای تهران تصمیم گرفتند به عنوان اعتراض تهران را ترک و در زاویه‌ی مقدسه‌ی حضرت عبدالعظیم تحصن کنند. تحصن علما ارکان حکومت را به لرزه درآورد، لذا شاه ناچار شد با علما وارد مذاکره شود. در این مذاکرات علما بر چندین خواست تأکید کردند: بنای عدالتخانه، برداشتن مسیو نوز از گمرکات ایران، عزل علاءالدوله حاکم تهران، بازگردانیدن حاج محمد رضا مجتهد به کرمان، مالیات نگرفتن از حقوق‌بگیران دولت و

اجرای احکام اسلام.

شاه دستور داد تا عین الدوله، صدراعظم به خواست علما تن در دهد. تحصن به اتمام رسید؛ ولی خواست علما عملی نشد و حکام هم چنان به ظلم و تعدی خود ادامه می دادند. مردم فارس از مظالم شعاع السلطنه به تنگ آمدند و پی در پی تلگراف هایی را خدمت علما ارسال کردند. مردم خراسان از ستم های آصف الدوله به حرم مطهر علی بن موسی الرضا پناهنده شدند. طلبه ها در حمایت مردم وارد صحنه شدند که نیروهای دولتی آن ها را به گلوله بستند و شماری به شهادت رسیدند. علمای تهران نامه به شاه نوشتند و درخواست اصلاحات کردند، اما دولت بی اعتنا به اعتراضات به سرکوب ادامه می داد. حاج شیخ محمد واعظ در سخنرانی خود دولت را به باد انتقاد گرفت؛ ولی عین الدوله دستور دستگیری وی را صادر کرد. طلاب در جلو قراولخانه تجمع کردند و شیخ را از دست نیروهای شاه آزاد کردند و در این حال طلبه ای به نام سید عبدالمجید به شهادت رسید. در مراسم تشییع جنازه ی سید عبدالمجید بسیاری از علما شرکت کردند. جنازه را به مسجد شاه (امام خمینی فعلی) بردند. علما و بازاریان به مسجد سرازیر شدند و تصمیم گرفتند تکلیف خود را با دولت روشن کنند. حضور شیخ فضل الله نوری در این اعتراض دولت را به شدت در موضع ضعف قرار داد. فردای آن روز مسجد به محاصره ی نیروهای دولتی درآمد و باز طلبه ای به نام سید مصطفی پیشنهاد به شهادت رسید. علما تصمیم گرفتند به عنوان اعتراض تهران را ترک و به سوی عتبات عالیات مهاجرت کنند. علمای تهران به همراه مجتهد بزرگ شیخ فضل الله نوری به سوی قم حرکت کردند. حرکت علما وضع تهران را متشنج کرد؛ اعتراضات و تظاهرات از گوشه گوشه ی تهران آشکار شدند. مظفرالدین شاه به ناچار تسلیم علما شد و عضدالملک را به عنوان نماینده ی